مطالعات فقه‌الحدیث، شماره ۲، سال ۱۴۰۳، صفحات ۸۱ تا ۱۰۲

مطالعات فقه‌الحدیث

نگاهی نو به حدیث تردد

سید محمدکاظم طباطبایی[الف] و فاطمه یزدی[ب*]

[الف] عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران؛ tabakazem@gmail.com

[ب] دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه قرآن حدیث، قم، ایران؛ fateme.yazdi78@gmail.com

واژگان کلیدی

حدیث تردد، حدیث قرب نوافل، فقه الحدیث، بداء، تردد خداوند

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۶/۲۳

مقاله علمی پژوهشی

چکیده

واژۀ «تردد» در احادیث متعددی به ساحت قدسی خداوند متعال نسبت داده شده است. از آنجا که عنصر اصلی تردد در ساحت انسانی، جهل و شک است، دانشمندان اسلامی در تبیین نسبت آن به خداوند متعال، معمولاً از ظهور حقیقی دست برداشته و آن را به معنای مجازی یا کنایی تأویل کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از یکی از انواع مجاز لفظی، عقلی، مجاز در حذف یا کنایه، به تأویل این عبارت پرداخته‌اند. گروهی نیز با تأمل در معنای لغوی ماده و هیئت «تردد»، معنای حقیقی تردد خداوند را تبیین کرده‌اند. با توجه به تکرار این عبارت در روایات مهمی همچون حدیث قرب نوافل و دعای طول عمر، فقه الحدیث آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در اعتقاد و عمل انسان مؤمن نیز تأثیرگذار خواهد بود. این نگاشته در پی آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین معنای تردد خداوند متعال بپردازد. بدون دخالت پیش‌فرض‌های فلسفی یا کلامی، این معنای حقیقی با تکیه بر معنای لغوی تردد و مراحل صدور فعل الهی در معارف اهل بیت علیهم‌السلام تبیین می‌شود. این نگاشته اثبات می‌کند که انتساب تردد به خداوند حقیقی است و به معنای رفت و برگشت در مقدمات افعال تدریجی الحصول برای آماده‌سازی فرد مؤمن برای مرگ است.

* نویسنده مسئول.

آدرس پست الکترونیک: fateme.yazdi78@gmail.com

مقدمه

یکی از احادیث مشکلی که در آموزه‌های شیعه و اهل سنت نقل شده و ذهن بسیاری از دانشمندان اسلامی را به خود مشغول کرده، «حدیث تردد» است. در روایات بسیاری به مضمون تردد خداوند متعال در قبض روح بنده مؤمن اشاره شده است و اینکه خداوند در هیچ‌یک از افعال خویش همچون قبض روح بنده مؤمن تردد ندارد، زیرا بنده مؤمن از مرگ خوشش نمی‌آید و خداوند نیز از ناخوشی بنده‌اش ناخوش است. به‌عنوان نمونه،[۱] مرحوم کلینی به سند خود[۲] از امام باقر علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند:

لَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ ص قَالَ يَا رَبِّ مَا حَالُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَكَ- قَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيّاً فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَ أَنَا أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِي وَ مَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي عَنْ وَفَاةِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْغِنَى وَ لَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْفَقْرُ وَ لَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ وَ مَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ إِذاً سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ.[۳]

این احادیث جهات مختلفی از بحث را به خود اختصاص داده‌اند: برخی با روش فهرستی (کتاب‌محور)[۴] و برخی دیگر با روش سندمحور[۵] به اعتبارسنجی صدوری این احادیث پرداخته‌اند. از آنجایی که این احادیث متواتر بوده و در میان آن‌ها احادیث صحیح‌السند طبق تمامی مبانی رجالی یافت می‌شود و برخی آن را بین

---

۱. همچنین به عنوان نمونه ای از نقل های اهل سنت ر.ک: المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص۱۱۳.

۲. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام».

۳. الكافي، ج۲، ص، ۳۵۳.

۴. اعتبار سنجی و مسیریابی ثبت و انتقال احادیث «تردد خداوند» به روش فهرستی، فصل‌نامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، شماره ۷۹، ص۹-۴۲.

۵. ر.ک: بررسی سندی و محتوایی احادیث «ما ترددت فی شیء ...» و بازنگری حدیث تردد، فصل نامه سفینه، شماره ۵۵، ص۲۶-۴۸.

عامه و خاصه مشهور می‌دانند[۱] و برخی دیگر ادعای تواتر این احادیث را کرده‌اند، نیازی به اعتبارسنجی صدوری این احادیث نخواهد بود.

برخی در حوزه دلالت برای استنباط حکم فقهی ناخوش داشتن مرگ به این روایت استناد کرده‌اند،[۲] اما عمده بحث در تبیین دلالی این احادیث است که در مجموع با سه مشکل مواجه است:

۱. نسبت دادن تردد به خداوند متعال: تردد به معنای عرفی، یعنی دودلی و تحیر، در ساحت ربوبی راه نداشته و معقول نیست خداوند متعال در کاری تردید داشته باشد؛ چراکه تردید در انجام کاری یا ناشی از جهل به مصالح و مفاسد آن کار است و یا ناشی از عجز فاعل از انجام آن می‌باشد و هیچ یک از این دو در ساحت خداوند متعال راه ندارد.

۲. نسبت دادن کراهت از مرگ به مؤمن: در بسیاری از روایات، مؤمن نه تنها مرگ را ناخوشایند نمی‌داند، بلکه در آرزوی آن است. پس چگونه در این حدیث قدسی، خداوند می‌فرماید: بنده مؤمن از مرگ کراهت دارد.

۳. اتحاد خالق و مخلوق: در این روایت و امثال آن که به حدیث «قرب نوافل» معروف است، خداوند خود را به‌عنوان بینایی، شنوایی، زبان و دست بنده مؤمنش معرفی می‌کند. حال آنکه اتحاد خالق و مخلوق و حلول محال است.

اندیشمندان اسلامی بیش از همه به اشکال اول پرداخته‌اند و بعد از آن، اشکال سوم را پاسخ گفته‌اند. برخی نیز به اشکال دوم متعرض شده‌اند. در پاسخ به اشکال اول، برخی از متکلمان و فقها در اصل صدور این حدیث تردید کرده[۳] و یا آن را انکار نموده‌اند.[۴] برخی دیگر با پیش‌فرض‌های فلسفی، کلامی یا عرفانی ظهور روایت را تأویل برده و معنایی مجازی یا کنایی برای آن ذکر کرده‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

سؤال اصلی نگاشته حاضر، معناشناسی تردد و امکان‌سنجی انتساب حقیقی آن به خداوند متعال است. هرچند مقالات دیگری به صدد پاسخ به این سؤال برآمده‌اند، نگارنده بر این باور است که نکته‌ای ظریف در

۱. اربعون حدیثاً، ص۴۱۶.
۲. ر.ک: مستمسک العروة الوثقی، ج ۴، ص۳۱.
۳. أجوبة المسائل المهنّائیة، ج۱، ص۳.
۴. استفتائات آیت‌الله خوئی، ص۴۲۱.

معناشناسی تردد و کیفیت انتساب آن به خداوند متعال در نوشتارهای پیشین مخفی مانده است. با توجه به این نکته، معنای روایت روشن خواهد شد و دیگر نیازی به توجیهات و تکلفات دور از ذهن و تأویل متن بر اساس پیش‌فرض‌های تحمیل‌شده بر آن نخواهد بود. نگاشته حاضر با روش فیش‌برداری از منابع معتبر و توصیف و تحلیل داده‌ها، در پی تبیین دقیق معنای انتساب تردد به خداوند متعال بدون ارتکاب هیچ نوع تأویل است. برخی مقالات بدون ارائه راهی نو، به گردآوری کلمات دانشمندان پیرامون این حدیث و رفع اشکال آن پرداخته‌اند، همچون:

۱. محمد حسن احمدی فقیه یزدی در مقاله «مفهوم تردد در احادیث» به بررسی اجتهادی این حدیث و اشاره به نظریات برخی از علمای معاصر پرداخته است.[۱]

۲. پوران میرزائی در مقاله «مفهوم‌شناسی تردد و راهکار فریقین در حل مشکل و تعارض اخبار کراهت یا علاقه مؤمن به مرگ» به اشکال اول و دوم پرداخته و اقوال دانشمندان را گردآوری کرده است.[۲]

۳. مهناز فرحمندی در مقاله «بازنگری حدیث تردد» به بررسی تفصیلی نظریات و بیان‌های علمای شیعه پرداخته و بیش از ده وجه برای حل اشکال این حدیث بیان کرده است.[۳]

۴. علیرضا اسعدی در مقاله «تردد خداوند در قبض روح مؤمن؛ بررسی حدیث قدسی» از منظر کلام قدیم به معناشناسی تردد و کیفیت انتساب آن به خداوند متعال اشاره کرده و اثبات این صفت همراه با تأویل آن را پذیرفته است.[۴]

برخی دیگر در پی ارائه راه حلی نو برای توضیح انتساب حقیقی تردد به خداوند متعال رفته‌اند:

۱. روح‌الله بهشتی‌پور در مقاله «معناشناسی حدیث تردد» با بهره‌گیری[۵] از بیان آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی سعی در تفسیر حقیقی انتساب تردد به خداوند متعال دارد، بدون اینکه مرتکب تأویل یا مجاز گردد.[۶]

---

۱. «مفهوم تردد در احادیث قدسی»، دو ماهنامه کیهان اندیشه، شماره ۱۱، ص۴۳-۳۷.

۲. «مفهوم شناسی تردید و راهکار فریقین در حل مشکل و تعارض اخبار کراهت یا علاقه مومن به مرگ»، فصلنامه علمی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء س، شماره ۳، ص۱۴۷۰۱۷۱.

۳. «بازنگری حدیث تردد»، فصلنامه تخصصی سفینه، شماره ۵۵، ص۲۶-۴۸.

۴. «تردد خداوند در قبض روح مؤمن؛ بررسی حدیث قدسی»، مجله معرفت، شماره ۲۴۸، ص۶۹-۷۸.

۵. هرچند از ایشان در این مقاله نامی برده نشده است.

۶. «معناشناسی حدیث تردّد»، فصلنامه کتاب قیّم، شماره ۵، ص۸۳-۱۰۳.

۲. سید جمال‌الدین موسوی در مقاله «تردد در ساحت ربوبی از منظر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام» به تبیین انتساب حقیقی تردد به خداوند از منظر مبانی کلامی مأخوذ از روایات اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته و تردد را همچون بداء می‌داند که تفاوت‌های ریزی دارند.[۱]

۳. در پاورقی مقاله «اعتبارسنجی و مسیریابی ثبت و انتقال احادیث «تردد خداوند» به روش فهرستی» اثر احسان پوردوانی و جمال‌الدین حیدری فطرت، به نگارش مقاله‌ای مستقل با عنوان «معنایابی حدیث تردد» اشاره شده که تاکنون به چاپ نرسیده است. ولی ادعای نگارندگان حل و تحلیل انتساب حقیقی تردد به خداوند متعال با توجه به پیش‌فرض‌ها و مبانی اعتقادی صحیح است.[۲]

البته مخفی نیست که شرح این حدیث در ضمن شروح حدیثی شیعه و اهل سنت و همچنین در قالب رساله‌های مستقل به وفور یافت می‌شود.[۳]

الف. مفهوم‌شناسی تردّد

تردد از ریشه «ردد» در باب تفعل است. معنای اصلی و محوری این ریشه در بیان ابن‌فارس رجوع و بازگشت شیء است.[۴] اما برخی از لغویان معاصر، با بررسی دقیق استعمالات و مشتقات این ماده، معنای محوری آن را «جلوگیری از ادامه یافتن آنچه که قابلیت امتداد یا انتشار دارد که جهتش برعکس شده یا متراکم شود» دانسته‌اند؛ به‌عنوان مثال:

الرَدة -بالفتح: تَقَاعُسُ الذَقَن إذا كان في الوجه بَعْضُ القَباحة وفيه شيءٌ من جمال. والقصيرُ المَتَرَدِّدُ: المتناهي في القصر. وعضوٌ رِدِّيد -كسكير: مُكْتَنِزٌ. ورجل مُرِدّ -كمُقِلّ: طالَت عُزْبته فترادّ الماءُ في ظهره. والرَدَد -كسَبَب وهِمّة: أن تشرب الإبل الماءَ

---

۱. «تردد در ساحت ربوبی از منظر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام»، دو فصلنامه کلام اهل بیت علیهم‌السلام، سال دوم شماره اول، ص۳۳-۵۳.

۲. اعتبار سنجی و مسیریابی ثبت و انتقال احادیث «تردد خداوند» به روش فهرستی، فصل نامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، شماره ۷۹، ص۱۱.

۳. در شروح حدیث می توان به شرح کافی علامه مجلسی، ملاصالح مازندرانی و فیض کاشانی اشاره کرد. همچنین در میان کسانی که رساله ای مستقل به این حدیث اختصاص داده اند می توان به علامه حلی، شهید ثانی، محدث بحرانی و ... اشاره نمود.

۴. معجم مقاییس اللغة ج۲، ص ۳۸۶.

عَلَلًا فترتَدّ الألبانُ في ضروعها/ امتلاء الضرع. المعنى المحوري صدٌّ استرسالِ ما يمتدّ أو ينتشرُ فينعكسُ اتجاههُ أو يتراكم ويكثُف كرجوع -الذَقْن عن غاية امتدادها المعتاد، وتجمع القَصير والعُضْو. وتراكم الماء المتصور في الظهر واللبنِ في الضَرْع. ومنه "ردّ الشيءَ: رَجَعَه أي بعد ما ذهب مسترسلًا. فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ ، ورده عن وجهه : صرفه. وَرَدَّ اللّهُ الّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ. الارتداد : الرجوع، والاسم منه الرِدّة بالكسر.[۱]

در نتیجه، معنای محوری این ریشه، جلوگیری از امتداد یا انتشار چیزی است که جهتش برعکس شده یا متراکم گردد، همان‌گونه که رجوع ذَقْن از غایت امتداد معمول خود، تجمع قَصیر و عُضْو، و تراکم آب متصور در ظهر و شیر در ضَرْع. و از این‌رو، تعبیر "ردَّ الشيء: رجعه" به معنای بازگشت چیزی بعد از اینکه مسترسل شده باشد، به کار می‌رود. مثلاً در عبارت "فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ" و "رده عن وجهه: صرفه"، خداوند کسانی را که کفر ورزیدند، به غیظ خود بازگرداند.

این تحلیل لغوی به فهم بهتر معنای تردد در متون دینی کمک می‌کند و زمینه‌ساز تبیین‌های دقیق‌تری در علوم دینی و زبان‌شناسی می‌شود.

این معنا با آنچه از لفظ تردد در زبان فارسی نیز متبادر می‌گردد، تناسب بیشتری دارد؛ چراکه در زبان فارسی، تردد گاهی به معنای رفت و آمد یا رفت و برگشت و گاهی به معنای دودلی و تحیر به کار می‌رود. استعمال تردد به معنای تحیر نیز بازگشتش به همان معنای رفت و برگشت است، چراکه انسان متحیر در اراده انجام کار رفت و برگشت دارد؛ یعنی می‌رود کاری را انجام دهد ولی از انجام آن منصرف شده و بازگشت می‌کند.

کلام ابن‌فارس تنها به بخشی از معنای ماده «ردد» اشاره کرده است، ولی بیان حسن جبل، کامل‌تر بوده و معنای اصلی این ماده را جلوگیری از امتداد چیزی که قابلیت امتداد یا انتشار دارد، می‌داند که در نتیجه در جهت عکس بازگشت می‌کند یا متراکم می‌گردد. مخفی نیست که تحیر، تأنی، مکث و... همگی از لوازم اتفاقیه این ماده است و تفسیر ماده «ردد» یا صیغه «تردد» به دودلی و تحیر و... تفسیر به لوازم احیانیه است.

هیئت تفعل در لفظ تردد به معنای مطاوعه و اثرپذیری از فعل ثلاثی مجرد «رَدَّ» است. فعل ثلاثی مجرد گاهی با «عن» متعدی می‌شود که به معنای منصرف کردن از چیزی خواهد بود و اثر آن منصرف شدن از آن چیز است: «رددتُه عن شيء فتردّد عنه». و گاهی با «في» متعدی می‌شود که به معنای رفت و برگشت دادن

۱ . المعجم الاشتقاقي المؤصل، ج۲، ص ۷۸۲.

مفعول در مفعول فیه است و اثرش رفت و برگشت کردن در آن ظرف است.[۱] غفلت از این که فعل ثلاثی مجرد به دو حرف «عن» و «في» متعدی می‌شود، و این دو حرف در مطاوعه و اثرپذیری در باب تفعل اثرگذار می‌باشند، موجب شده تا مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی، تردد را به معنای پذیرش رد و انصراف بدانند.[۲] ولی «تردّد عن الشیء» معنای متفاوتی از «تردّد في الشیء» دارد.[۳]

از سوی دیگر، برخی از اهل سنت برای توجیه اسناد حقیقی تردد به خداوند متعال، دست به تبیین لغوی دیگری از هیئت تفعل در این ماده زده و آن را به معنای باب تفعیل تفسیر کرده‌اند؛ مانند تفکر و تفکیر و تدبر و تدبیر که به یک معنا هستند.[۴] در این صورت، تردد خداوند به معنای تردید خداوند است و مفعول آن ملائکه مسئول قبض روح مؤمن هستند. اما نه تنها هیچ شاهد لغوی بر تفسیر تردد به معنای تردید در کار نیست، بلکه به نظر می‌رسد که باب تفعیل ماده «ردد»، همان معنای باب تفعل یعنی تردد را دارد و متعدی نمی‌باشد. بلکه صیغه ثلاثی مجرد این ماده متعدی به یک مفعول است و شاهدی بر استعمال تردد به معنای ثلاثی مجرد نیز در لغت و استعمالات عرفی به چشم نمی‌خورد.

ب. دیدگاه‌های اندیشمندان در توضیح انتساب تردد به ساحت خداوند متعال

به جرئت می‌توان این حدیث را میدان استفاده از پیش‌فرض‌های دانشی در تبیین و تفسیر متون وحیانی دانست؛ امری که به گفته علامه طباطبایی خطای بزرگی در مسیر فهم متن بوده و از مقوله تفسیر خارج است.[۵] درست است که نمی‌توان بدون پیش‌فرض و زمینه‌های ذهنی به سراغ فهم یک متن رفت، اما از آنجا

---

۱. آیت‌الله مفیدی در جلسات تفسیر (بحث تحریف قرآن، جلسه ۱۳، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۳) از استادشان مرحوم آیت‌الله بهجت نقل می‌کنند که ایشان در توضیح این روایت بر این نکته تأکید داشتند که تردد به معنای رفت و برگشت است نه به معنای دودلی یا انصراف یا هرچیزی که مستلزم نقصی در ساحت ربوبی باشد. (به نقل از سایت آیت‌الله مفیدی: www.b2n.ir/k01679).

۲. انوار الهدایة، ص۱۶۱ و معارف القرآن، ص۸۲۴.

۳. در تمامی موارد نقل این مضمون در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، تردّد به همراه حرف جرّ «في» آمده است، جز در یک مورد از نقل های برقی در محاسن (ر.ک: المحاسن ج ۱، ص۱۶۰) و دو مورد از نقل های کلینی در کافی (ر.ک: الکافی (دارالحدیث)، ج۴، ص۷۳ و ۷۴) که هردو نقل کافی نسخه بدل «في» دارد و احتمال تصحیف في به عن نیز بعید نیست، خصوصا این که نقل ها و نسخ مشتمل بر «في» در مجموع بیشتر است.

۴. شرح الکافی(ملاصالح مازندرانی)، ج ۹، ص ۱۸۲.

۵. ر.ک: المیزان، ج۱، ص۸.

که متون وحیانی صامت نبوده و گوینده اراده کرده تا مطالبی معین را به خواننده بفهماند، باید با پیش‌فرض‌های گوینده، متن او را فهمید و تفسیر کرد تا به مراد واقعی او از گفتارش پی برد. در اینجا است که خواننده باید با پارادایم فکری، جهان‌بینی و انواع مختلف پیش‌فرض‌های گوینده آشنا باشد و بدون تحمیل چیزی از خارج، سخنان او را بفهمد. در باب متون وحیانی نیز باید پیش‌فرض‌های هستی‌شناسانه و الهیاتی را از خود این متون دریافت کرد، بدون اینکه مبنایی را از دانشی همچون فلسفه، عرفان یا حتی کلام اسلامی بر متن تحمیل نمود.

متأسفانه در مواجهه با این حدیث قدسی، تنها گروه اندکی از دانشمندان اسلامی پیش‌فرض‌های خود را بر متن تحمیل نکرده‌اند و به فهم ناب و خالصی از روایت دست یافته‌اند و توانسته‌اند انتساب حقیقی تردد به خداوند را تبیین کنند. در مقابل، بسیاری با توجه به ناسازگاری تردد با ساحت ربوبی در چارچوب‌های دانشی و ذهنی خودشان، انتساب حقیقی تردد به خداوند را انکار کرده و همین چارچوب‌ها را به‌عنوان قرینه صارفه دانسته‌اند. گروهی در معنای تردد تصرف کرده و مرتکب مجاز لغوی شده‌اند، گروهی دیگر در اسناد تردد به فاعل (خداوند متعال) مرتکب مجاز در اسناد شده‌اند، و گروه سوم با تقدیر گرفتن چیزی مرتکب مجاز در حذف شده‌اند. البته در هر دسته، تبیین‌های مختلفی از استعمال مجازی صورت گرفته که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

به نظر می‌رسد ریشه اصلی اشکال، غفلت از معنای تردد در این حدیث است. بسیاری از شارحین این حدیث از جریان‌های علمی مختلف همچون فلسفه، عرفان، حدیث و کلام، تردد را به معنای تحیر، دودلی و انصراف دانسته‌اند و در ادامه آن را با مبانی الهیاتی خود ناسازگار یافته‌اند. حال آنکه اگر تردد را به معنای رفت و برگشت بدانیم، اشکال حدیث از ریشه حل خواهد شد که بعد از بیان دیدگاه‌ها به راه‌حل مختار خواهیم پرداخت.

۱. دیدگاه‌های تأویل گرا

دسته اول: مجاز لفظی

استعمال لفظ در معنای غیر موضوع له خود، نیاز به علقه مجازی دارد. اگر این علقه شباهت باشد، به آن تشبیه و استعاره می‌گویند و اگر علقه‌ای غیر از شباهت باشد، از آن به مجاز مرسل یاد می‌شود. در تبیین روایت از هر دو دسته علاقات مجازی استفاده شده است.

بخش اول: مجاز مرسل

مجاز مرسل به کار بردن یک لفظ در معنایی غیر از معنای اصلی آن، اما به دلیل وجود یک رابطه غیرشباهت بین آن دو معنا است. این نوع مجاز در تفسیر و تبیین احادیث نقش مهمی دارد، زیرا امکان ارائه

توضیحات دقیق‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت را فراهم می‌کند. در ادامه، به بررسی نمونه‌هایی از مجاز مرسل در تبیین حدیث «تردد» می‌پردازیم.

أ. علقه سببیت: میرداماد در تبیین انتساب تردد به خداوند متعال از این علقه استفاده کرده و چنین می‌گوید:

> بدان که سبب تردد در کاری، تعارض داعی و انگیزه مرجح در دو طرف فعل و ترک آن کار است. و در این روایت، خداوند مسبب را گفته و از آن سبب را اراده کرده است. معنای حدیث عبارت است از اینکه قبض روح مؤمن به وسیله مرگ در نسبت با کل نظام وجود خیر است و در نسبت با ناراحتی خود مؤمن شر است. این شر نسبی عارضی از قوی‌ترین شرور نسبی عارضی در افعال الهی است که خیراتش کثیر بوده و شرورش قلیل است. به بیان دیگر، از وقوع فعل قبض روح مؤمن بین دو طرف خیریت بالذات و خیرات کثیر مترتب بر آن و بین شریت بالعرض و نسبت به برخی موجودات، به تردد یاد می‌شود؛ چراکه خیریت این کار فاعل را به انجام آن فعل دعوت می‌کند و شریتش او را به ترک فعل دعوت می‌نماید. در این بین است که فاعل به سوی تردد سوق می‌یابد. در نتیجه، معنای حدیث عبارت است از اینکه خداوند متعال می‌فرماید: هیچ شری از شروری که لازمه خیرات کثیره در افعالم هست، نیافتم همانند شری که در ناراحتی بنده مؤمنم از قبض روحش وجود دارد. در حالی که موت او از خیراتی است که در حکمت بالغه الهی واجب است. پس در شرور بالعرضی که لازمه خیرات کثیره است، شری بزرگتر از این شر بالعرض نیست. ولی خیر کثیر و حکمت بالغه الهی در این فعل مستحکم‌تر و بزرگتر و مهم‌تر است.[۱]

در بیان میرداماد، تردد در فعل خداوند راه ندارد. بلکه مقصود از تردد در اینجا، سبب و علت پیدایش تردد است نه خود آن. به این معنا که در دو طرف فعل و ترک، انگیزه کافی وجود دارد و این چیزی است که در فاعل‌های انسانی موجب تردد می‌شود. ولی در مورد خداوند، از آنجا که خیر کثیر بر شر بالعرض ترجیح دارد، مسبب خود را به دنبال ندارد و حقیقتاً موجب تردد خداوند نمی‌شود.

---

۱. القبسات، ص۴۷۰.

اما شاگرد ایشان، مرحوم صدرالمتألهین، این توضیح را تقویت اشکال می‌دانند نه حل آن؛ زیرا اگر یکی از دو طرف بر دیگری ترجیح نداشته باشد، ترجیح بلا مرجّح لازم می‌آید و اگر به واسطه آن رجحان، ترجیح یابد، صدورش از علم الهی واجب است. بنابراین، بر اساس تحلیل میرداماد، تردّدی واقع نگردیده است، زیرا حکم به رجحان آن به طور قطع واقع شده است.[۱]

به نظر می‌رسد ریشه اشکال در این بیان، عدم توجه به معنای صحیح تردد و تفسیر آن به تحیر و دودلی است. این غفلت موجب شده تا میرداماد، با توسل به دامن مجاز، به توجیه روایت و تطبیق آن بر مبنای فلسفی خود اقدام کند.

ب. لازم و ملزوم: برخی گفته‌اند تردد به معنای دودلی در حدیث از باب ذکر ملزوم و اراده لازم آن آمده است. توضیح این که افعال خداوند دو گونه است: دفعی و تدریجی. در افعال آنی، فعل با امر خداوند به وجود می‌آید و تراخی در کار نیست: «إِنَّما أَمْرُهُ إِذٰا أَرٰادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ».[۲] ولی در افعال تدریجی، بعد از اراده الهی به تدریج یک فعل محقق می‌شود و تدریج مستلزم تراخی است. از آنجا که تردید مستلزم تراخی در انجام کار است، خداوند متعال ملزوم (تردد) را گفته و لازمه‌اش یعنی تراخی را اراده کرده است. به این معنا که خداوند در هیچ یک از افعال تدریجی الحصول خود به اندازه قبض روح بنده مؤمن، تراخی ندارد.[۳]

ت. تضادّ و مقابله: علامه حلی این حدیث را، در فرض صحت سند، این گونه تبیین می‌نماید که حتمی بودن مرگ، با کراهت خداوند از ناراحتی مؤمنان، متعارض می‌باشد و از آنجا که اگر این تعارض در مورد انسان واقع می‌شد از آن به تردد تعبیر می‌گردید، از این حالت درباره خداوند نیز به تردد یاد شده است. همچون آیه شریفه «وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللهُ»[۴] که مکر از جانب خداوند محال است، ولی از آنجا که کفار به دنبال مکر ورزیدن هستند، خداوند مقابله خود با آنان را مکر نام نهاده و تضاد و مقابله به ضدّ از علاقات مجاز مرسل است.[۵]

---

۱. الحکمة المتعالیه، ج۶، ص۲۹۳.

۲. یس: ۸۲.

۳. ر.ک: الدرر النجفیة، ج۱، ص۳۵۴.

۴ آل عمران: ٥٤.

۵. أجوبة المسائل المهنائیة، ص۳۱.

ث. غایت

شهید ثانی در شرح این حدیث می‌فرماید: هر کدام از صفات الهی که به صورت حقیقی نمی‌توان آن را بر خداوند متعال حمل کرد، مقصود از آن غایت مطلوب از آن صفت است نه خود صفت. همچون انتساب مکر و کید و دست و چشم و... به خداوند متعال. چراکه غایت نهایی مقصود از مکر و کید، انداختن شخص مورد مکر در آن کار (مکر و کید) است. همچنین غایت نهایی از دست، قدرت و غایت نهایی از چشم، اطلاع و احاطه علمی است. غایت نهایی از تردد در امر مکروه نیز تعظیم کسی است که قصد وارد ساختن آن امر مکروه به او وجود دارد و مقدم داشتن رضایت اوست. از همین رو در ادامه روایت خداوند متعال می‌فرماید: «و لا یکون إلّا ما أرید».[۱]

بخش دوم: تشبیه (استعاره)

تقریرهای مختلفی از بیان استعاری تردد در کلمات علما آمده است.

أ. تمثیل حال و منزلت مؤمن: از آنجا که عادتا انسان در رساندن امر مکروه به کسی که برایش محترم و موقر است، تردید دارد و برعکس، در بدی رساندن به دشمنش هیچ تردیدی ندارد، خداوند حال بنده مؤمن را به چنین شخص محترمی تشبیه کرده که در رساندن امر مکروه به او گویا تردید می‌کند. پس مقصود روایت آن است که قدر و منزلت هیچ یک از مخلوقاتم به اندازه منزلت بنده مؤمنم نیست.[۲]

ب. تمثیل فرایند آماده‌سازی مؤمن برای مرگ: خداوند متعال هنگام قبض روح بنده مؤمنش چنان الطاف و بشارت‌هایی را به او نشان می‌دهد که کراهت مؤمن از مرگ برطرف شده و به سرای آخرت رغبت پیدا می‌کند. این رفتار خداوند در هنگام قبض روح مؤمن و احتضار او به رفتار کسی تشبیه شده که می‌خواهد به دوستش دردی وارد سازد که برای او نفع بزرگی در پی دارد، و این شخص مردد است که چگونه این درد نافع را به او وارد سازد تا کمترین اذیت را متحمل گردد.[۳]

بیان دیگری در تشبیه فرایند آماده‌سازی مؤمن برای مرگ به تردد آمده است: خداوند اسباب حب موت را بر بنده‌اش وارد می‌سازد تا این که خود بنده مؤمن با اراده خودش مرگ را انتخاب نماید. وارد ساختن این

---

۱. رسائل الشهید الثاني ره (أجوبة مسائل شکر بن حمدان)، ج ۱، ص۵۶۶.

۲. ر.ک: القواعد و الفوائد، ج۲، ص۱۸۱.

۳. ر.ک: الأربعون حدیثاً، ص۴۱۷.

اسباب بر بنده به تردد تشبیه شده است. مؤید این وجه، روایتی با این مضمون است که وقتی ملک‌الموت برای قبض روح حضرت ابراهیم‌علیه‌السلام آمد، او از مرگ کراهت داشت. پس خداوند مرگش را به تأخیر انداخت تا زمانی که پیرمردی را دید که هنگام خوردن، آب دهان بر ریش‌هایش جاری می‌شود. پس حضرت ابراهیم از این صحنه ناخوشایند بدش آمد و به مرگ علاقه‌مند شد.[۱]

ت. تمثیل ایجاد اسباب اقبال بنده مؤمن به آخرت و اسباب اقبال او به دنیا: خداوند متعال اسبابی را برای مؤمن فراهم می‌کند که بنده مؤمن گمان می‌کند مرگش نزدیک است و خود را آماده مرگ می‌کند. سپس اسبابی را برایش فراهم می‌آورد که آرزوهایش را گسترش می‌دهد و سبب اقبال او به دنیا و عمران آن می‌گردد. فراهم آوردن این دو دسته اسباب مختلف که گروهی موجب اقبال بنده به آخرت و گروهی موجب اقبال او به دنیا می‌شود، به تردد تشبیه شده است. پس تردد در اختلاف احوال است نه در مقدار اجل‌ها.[۲]

دسته دوم: مجاز در اسناد

مجاز در اسناد به معنای نسبت دادن فعل به کسی یا چیزی غیر از فاعل اصلی آن است. با توجه به اینکه فاعل حقیقی تردد کیست، وجوه متعددی در تبیین مجاز در اسناد این حدیث بیان شده است:

أ. بنده مؤمن: در حقیقت، فاعل تردد بنده مؤمن است که بین بقاء در دنیا و موت مردد است. خداوند متعال تردد ولی خود را به خودش نسبت داده تا او را اکرام و تعظیم نماید. چنانکه پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم نقل می‌کند:

> إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) يَقُولُ: يَا ابن‌آدَمَ، مَرِضْتُ فَلَمْ تَعُدْنِي. قَالَ: يَا رَبِّ، كَيْفَ أَعُودُكَ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ! قَالَ: مَرِضَ فُلَانٌ عَبْدِي، وَ لَوْ عُدْتَهُ لَوَجَدْتَنِي عِنْدَهُ، وَ اسْتَسْقَيْتُكَ فَلَمْ تَسْقِنِي. قَالَ: يَا رَبِّ، كَيْفَ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ! قَالَ: اسْتَسْقَاكَ عَبْدِي فُلَانٌ، وَ لَوْ سَقَيْتَهُ لَوَجَدْتَ ذَلِكَ عِنْدِي، وَ اسْتَطْعَمْتُكَ فَلَمْ تُطْعِمْنِي. قَالَ: يَا رَبِّ، كَيْفَ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ! قَالَ: اسْتَطْعَمَكَ عَبْدِي، وَ لَوْ أَطْعَمْتَهُ لَوَجَدْتَ ذَلِكَ عِنْدِي.[۳]

همچنین روایاتی که ذیل آیه شریفه «وَ لاٰ تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَيَسُبُّوا اللهَ عَدْواً بِغَيْرِ عِلْمٍ» آمده است، مقصود از دشنام دادن به خداوند را دشنام دادن به اولیاء خدا بیان کرده و می‌تواند مؤید اسناد

---

۱ . ر.ک: علل الشرائع، ج۱، ص۳۸.

۲. ر.ک: القواعد و الفوائد، ج۲، ص۱۸۳.

۳. الأمالی (للشیخ الطوسی)، ص۶۳۰.

تشریفی باشد. هرچند این بیان مستلزم مجاز در اسناد است، ولی اگر تردد به معنای دودلی و تحیر باشد، اشکالی به آن متوجه نیست.

ب. ملائکه: فاعل تردد به معنای دودلی، ملائکه مسئول قبض روح بنده مؤمن هستند. معنای حدیث عبارت است از اینکه ملائکه در هیچ امری به اندازه قبض روح مؤمن دچار تردید و دودلی نمی‌شوند. البته این دودلی موجب توقف و عصیان ملائکه نشده و آن‌ها دستور خداوند را به صورت کامل اطاعت می‌کنند.

ت. قوا و نفوس فلکیه: فیض کاشانی به پیروی از استادش، مرحوم صدرالمتألهین، ساحت الهی را به‌طور مستقیم از بداء و تردد منزه می‌داند و این صفات را به نفوس فلکیه نسبت می‌دهد. از آنجا که نفوس فلکیه تحت اراده الهی هستند، خداوند متعال فعل تردد را به خودش نسبت داده است. بنابراین، باید توجه داشت که این فعل ابتدا و بالذات به نفوس فلکیه منسوب است و در طول آنها به خداوند منتسب می‌شود، همان‌گونه که هر فعل دیگری از مخلوقات چنین است.

توضیح بیشتر اینکه: قوای منطبعه فلکی به جزئیات همه وقایع به‌صورت دفعی آگاه نیستند، زیرا این جزئیات غیر متناهی هستند. بلکه این جزئیات به همراه علل و اسبابشان به‌صورت تدریجی و شیئاً فشیئاً در نفوس فلکی منتقش می‌شوند. هر آنچه در عالم کون و فساد حادث می‌گردد، از لوازم حرکت افلاک مسخر خداوند است. بنابراین، هرگاه علم به اسباب حوادث برایشان حاصل شود، به وقوع آنها حکم می‌کنند. گاهی اسباب وقوع برخی حوادث، متأخر از سایر اسباب می‌گردد و اگر آن سبب وجود نداشت، اسباب دیگر مقتضای متفاوتی داشتند و علم به این سبب متأخر نیز تأخیر پیدا می‌کند. وقتی زمان حدوث آن حادثه فرا می‌رسد، نفوس فلکی به وقوع آن علم پیدا کرده و حکم سابقی که بر اساس سایر اسباب کرده بودند، محو می‌شود و حکم جدید اثبات می‌گردد.

مثلاً وقتی علم به مرگ زید به‌سبب فلان بیماری در فلان زمان حاصل می‌شود، ولی علم به صدقه‌ای که زید قبل از آن زمان معین داده بود، حاصل نشده است، ابتدا حکم به مرگ می‌کنند؛ اما بعداً که علم به صدقه پیدا می‌شود، حکم به مرگ محو شده و حکم به بقاء اثبات می‌گردد. و اگر اسباب وقوع و عدم وقوع کاری هیچ‌یک بر دیگری رجحان نداشته باشند و علم به رجحان یکی بر دیگری هم برای نفوس فلکی

حاصل نشود، تردد در وقوع و عدم وقوع آن امر برای نفوس فلکی حاصل می‌شود. همه این‌ها و هر آنچه در عالم ملکوتی در جریان است، به اراده خداوند جاری است و فعل همه مخلوقات، فعل خداوند است.[۱]

شایان ذکر است که از نگاه صدرا، نفوس و قوای فلکی همان ملائکه‌اند. بنابراین، این دیدگاه از این جهت شبیه دیدگاه قبلی است، با این تفاوت که مبتنی بر چارچوب و نظریات فلسفی تبیین شده است.

نقد و بررسی

اول: ظاهر آیه «يَمْحُوا اللهُ مٰا يَشٰاءُ وَ يُثْبِتُ»[۲] و روایات ذیل آن و همچنین روایات باب بداء آن است که فاعل محو و اثبات و بداء خود خداوند به صورت مستقیم و بدون واسطه است.

دوم: برهان وجود نفس برای افلاک کامل نیست.

سوم: بنابر ثبوت نفس برای افلاک، چگونه ممکن است جهل مرکب داشته و به آنچه که دلیل ندارد حکم نماید؟ حال آنکه فرض آن است که تمام حوادث از لوازم حرکات افلاک است. چگونه ممکن است که خداوند این نفوس جاهل را بر تمامی حوادث عالم مسلط نماید؟

چهارم: انتساب وجود تمامی حوادث عالم به افلاک مخالف اتفاق نظر امامیه است که می‌گویند افعال بندگان مخلوق خودشان است نه مخلوق خداوند متعال.

اگر هم با بیان اینکه فعل مخلوقات فعل خداوند است، از اشکال اول و چهارم پاسخ داده شود، اشکال تقویت می‌گردد؛ زیرا در این صورت باید ملتزم شد که تردد حقیقتاً فعل خداوند متعال است و هیچ مجازی در اسناد تردد به خداوند راه ندارد. حال آنکه سبب تردد در انسان، جهل به رجحان اسباب فعل و ترک کاری است.[۳]

دسته سوم: مجاز در حذف

شیخ بهائی در توجیه این روایت شرط ممتنعی را در تقدیر گرفته است به این بیان: «لو جاز علیّ التردّد لما تردّدت في شيء أنا فاعله كتردّدي في قبض روح عبدي المؤمن ...» اگر تردد بر خداوند جایز بود، خداوند در هیچ فعلی همانند قبض روح بنده مؤمن تردد نمی‌کرد. لکن تردد خداوند محال است، پس هیچ‌گاه تردد نمی‌کند.[۴]

---

۱ ر.ک: الحكمة المتعالية، ج۶، ص۲۹۳ و ۲۹۴، الوافي، ج۱، ص۵۰۷.

۲ رعد: ۳۹.

۳. الدرر النجفية، ج۱، ص۳۵۰.

۴. ر.ک: الأربعون حديثاً، ص۴۱۷.

اشکال این سخن آن است که تا زمانی که می‌توان کلام را بدون تقدیر گرفتن محذوفی معنا کرد، ارتکاب مجاز در حذف تأویل بوده و حمل بر خلاف ظاهر است و جایز نیست.

دسته چهارم: کنایه

شیخ حر عاملی تردد را کنایه از تأخیر در قبض روح بنده مؤمن می‌داند.[۱]

ورود این فقره در دعای معروف طول عمر که امام صادق‌علیه‌السلام به یکی از اصحاب خود تعلیم فرموده‌اند، می‌تواند مؤید این برداشت نیز باشد.[۲]

۲. دیدگاه های ظاهرگرا

برخی از اندیشمندان بدون تأویل ظاهر این روایت، به صدد حل اشکال آن برآمده‌اند:

الف. تصرف در معنای لغوی تردد و تفسیر آن به معنای ثلاثی مجرد یا باب تفعیل: برخی از اهل سنت تردد را به معنای ثلاثی مجرد یا باب تفعیل دانسته‌اند، همچون ذکر و تذکر و فکر و تفکر. بنابراین، تردد هم به معنای ردّ یا ایجاد تردید در مفعول به است و این معنا مستلزم راه یافتن تحیر و شک در ساحت ربوبی نخواهد بود.[۳] با این حال، چنانکه گذشت، هیچ شاهد لغوی این وجه را تأیید نمی‌کند.

ب. تبیین دقیق معنای لغوی تردد و تفسیر آن به رفت و برگشت: برخی از محققین معاصر در مفهوم‌شناسی تردد، آن را به رفت و برگشت معنا کرده‌اند و تردد خداوند در کاری را به معنای تصمیم بر آن و بازگشت از تصمیم دانسته‌اند. سپس با تبیین سه مبنای کلامی در تفسیر اراده، علم و قدرت، انتساب حقیقی تردد به خداوند متعال را تبیین کرده‌اند.

توضیح آنکه تردد یا در نفس است یا خارج از آن؛ در خارج تردد وجود ندارد و هر چه هست، وجود اشیاء با تمامی ویژگی‌های آن است و تردد در وجود خارجی بی‌معناست. اما در نفس و پیش از تحقق خارجی، رفت و برگشت تصور دارد که قهراً بر اراده منطبق خواهد شد. از این جهت اراده، مهم‌ترین مبنای کلامی در تبیین تردد به شمار می‌آید.

در تبیین اراده الهی در کتاب و سنت، با چند محور مواجه هستیم:

---

۱. وسائل الشیعة، ج۲، ص۴۲۸.

۲. مصباح المتهجد، ص۵۸.

۳. ر.ک: بحارالأنوار، ج۶۴، ص۱۵۶.

۱. اراده مخلوق و امری حادث است.
۲. اراده از صفات فعل است و صحت سلب از ذات باری تعالی دارد.
۳. علم بدون تحقق معلوم نیز تصور دارد، ولی اراده بدون مراد قابل تصور نیست.

دومین مبنای مهم کلامی، صفت علم الهی است. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، علم در پاره‌ای موارد صفت ذات و در موارد دیگر صفت فعل معرفی شده است. شاخصه علم ذاتی، ازلی بودن و بدون معلوم بودن آن است که اگر این دو نباشد، علم مخلوقی و حادث و صفت فعل خواهد بود. علم ذاتی، علمی است که همواره از ازل همراه ذات حضور داشته و به لحاظ معناشناختی در روایات به معنای نفی جهل است. ولی علم مخلوق، علمی است که در مرتبه‌ای خارج از ذات وجود داشته و ازلی نیست. این علم مسبوق به عدم بوده و قابل محو و اثبات است. مراتب وقوع فعل در خارج که در روایات ضمن هفت مرحله بیان شده، از مصادیق علم فعلی به شمار می‌آید. بنابراین، تمامی تقدیرها اعم از مرحله مشیت، اراده، قدر و قضاء، معلوم به علم مخلوقی خداوند هستند. تمامی امور قابل تغییر همچون نسخ، بداء و تردد نیز در این علم روی می‌دهند که تغییرپذیر بوده و به دلیل تفکیک حوزه اراده از حوزه علم، با علم ذاتی و پیشینی خداوند منافاتی نخواهند داشت.

سومین مبنای تأثیرگذار کلامی در تفسیر تردد، قدرت است. قدرت بر اساس آیات و روایات، همان سلطنت بر فعل و ترک است. طبق این تعریف، مرجّح برای تحقق فعل یا ترک، خود مشیت است و بستر مشیت نیز علم و قدرت‌اند.

بر اساس آنچه گفته شد، تردد در اراده ممکن است از یکی از موارد زیر ناشی شود:

۱. تردد ناشی از جهل: ناآگاهی فاعل نسبت به جهات مصلحت و مفسده در یک فعل سبب تردد در اراده می‌شود.
۲. تحیر در ترجیح: فاعل به مصالح و مفاسد در یک فعل آگاهی کافی دارد، اما در مقام ترجیح یکی بر دیگری دچار تحیر و سرگردانی شده و برای او تردد حاصل می‌شود.
۳. وجود مزاحم: فاعل هم به مصالح و مفاسد آگاهی کافی دارد و هم به مرجح آگاهی دارد، اما به دلیل وجود مزاحم در یک طرف، فاعل قادر به اعمال اراده خود نیست و مرجح تاثیری نخواهد داشت.

۴. اراده آزاد و اختیار تام: تمامی جهت‌های یاد شده در فاعل منتفی است و علم و قدرت هم وجود دارد، اما باز فاعل دچار تردد می‌شود که در این صورت، تردد به دلیل اراده آزاد و اختیار تام و کامل اوست.

تردد در دو مورد اول ناشی از جهل و نقصان علم است که ذات الهی از آن مبراست. تردد در احتمال سوم نیز برخاسته از عجز فاعل است و با قدرت الهی سازگاری ندارد. بنابراین، احتمال چهارم با دیدگاه آیات و روایات درباره قدرت و حریت و سلطنت خداوند بر فعل و ترک سازگار است.

در حقیقت، رفت و برگشت اراده، تعبیر دیگری از تغییر در اراده خواهد بود و تفاوت ماهوی بین آنها نیست و در نتیجه، تردد با بداء یک نوع و از یک سنخ است. البته فرق‌هایی هم بین بداء و تردد به چشم می‌خورد، همچون:

۱. عامل بداء: ممکن است بیرونی باشد، یا به علم ازلی خداوند بازگردد، ولی عامل تردد همیشه بیرونی است؛ چراکه از یک سو، تردد از باب تفعل به معنای مطاوعه و اثرپذیری است و از سوی دیگر، روایات تردد خداوند را نتیجه کراهت مؤمن از مرگ می‌داند.

۲. اراده سابق: در بداء، وجود اراده سابق لازم نیست ولی در تردد، وجود اراده مقابل لازم است.[۱]

۳. دیدگاه مختار

برای تبیین و توضیح تردد خداوند باید مقدماتی را پذیرفت:

اول: تردد به معنای رفت و برگشت است نه تحیر و دودلی و... .

دوم: پیش فرض‌های هستی‌شناختی مأخوذ از مکتب اهل بیت‌علیهم‌السلام در باب اراده و علم و قدرت همان است که در بیان دیدگاه قبلی مطرح شد.

سوم: ظرف تردد و رفت و برگشت گاهی یک مکان است، همچون مکان معنوی «الإثم ما تردّد في الصدر»[۲] و مکان حسی «فتصل النطفة إلى الرحم فتردّد فيه أربعين يوماً»[۳] و گاهی انجام یک کار است.

---

۱. ر.ک: تردد در ساحت ربوبی از منظر مکتب اهل بیت‌علیهم‌السلام، دو فصلنامه کلام اهل بیت‌علیهم‌السلام، شماره ۳، ص۵۱-۴۴.

۲. قرب الإسناد، ص۳۲۲.

۳. الکافی، ج ۶، ص۱۴.

رفت و برگشت در انجام یک کار ممکن است در مراحل چهارگانه یا هفت‌گانه صدور یک فعل که در روایات وارد شده، صورت بگیرد:

قَالَ أَبُوالْحَسَنِ‌ﷺ لِيُونُسَ مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ يَا يُونُسُ لَا تَتَكَلَّمْ بِالْقَدَرِ قَالَ إِنِّي لَا أَتَكَلَّمُ بِالْقَدَرِ وَ لَكِنِّي أَقُولُ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا أَرَادَ اللَّهُ وَ شَاءَ وَ قَضَى وَ قَدَّرَ فَقَالَ لَيْسَ هَكَذَا أَقُولُ وَ لَكِنِّي أَقُولُ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ أَرَادَ وَ قَدَّرَ وَ قَضَى ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرِي مَا الْمَشِيَّةُ فَقَالَ لَا فَقَالَ هَمُّهُ بِالشَّيْءِ أَ وَ تَدْرِي مَا أَرَادَ قَالَ لَا قَالَ إِتْمَامُهُ عَلَى الْمَشِيَّةِ فَقَالَ أَ وَ تَدْرِي مَا قَدَّرَ قَالَ لَا قَالَ هُوَ الْهَنْدَسَةُ مِنَ الطُّولِ وَ الْعَرْضِ وَ الْبَقَاءِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا شَاءَ شَيْئاً أَرَادَهُ وَ إِذَا أَرَادَهُ قَدَّرَهُ وَ إِذَا قَدَّرَهُ قَضَاهُ وَ إِذَا قَضَاهُ أَمْضَاهُ.[1]

عَنْ أَبِي‌عَبْدِاللَّهِ‌ﷺ أَنَّهُ قَالَ: لَا يَكُونُ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ إِلَّا بِهَذِهِ الْخِصَالِ السَّبْعِ بِمَشِيئَةٍ وَ إِرَادَةٍ وَ قَدَرٍ وَ قَضَاءٍ وَ إِذْنٍ وَ كِتَابٍ وَ أَجَلٍ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَقْدِرُ عَلَى نَقْضِ وَاحِدَةٍ فَقَدْ كَفَرَ.[2]

با توجه به حادث بودن این مراحل و تفکیک صفت اراده و مراحل اراده فعل از صفت علم ذاتی خداوند، رفت و برگشت در هر یک از این مراحل به صورت حقیقی امکان‌پذیر است. بنابراین، ممکن است مشیت خداوند به چیزی تعلق گیرد و سپس از آن برگردد. همین‌طور، رفت و برگشت در هر یک از اراده و قدر و قضاء و اذن و کتاب و اجل نیز قابل تصویر بوده و می‌توان حقیقتاً به اعتبار رفت و برگشت در هر کدام، تردد در فعل را به خداوند اسناد داد.

این تردد به هیچ وجه مستلزم جهل یا عجز بر خداوند نیست؛ بلکه ناشی از شدت و کمال اختیار و اراده آزاد الهی است که برای انجام فعل نیاز به مرجح بیرونی ندارد و به اراده خود ترجیح می‌دهد. طبق این روایات، خداوند خواست بنده مؤمنش را مرجح ترک قبض روح قرار داده و مرگش را به تأخیر می‌اندازد.

مؤید این نکته که تردد و رفت و برگشت در تمامی مراحل صدور فعل امکان‌پذیر است، روایت تردد خداوند در مجازات بنده مؤمن خویش است که مرحوم کلینی آن را در باب نادر از کتاب ایمان و کفر کافی آورده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنِ ابن‌أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ‌ﷺ يَقُولُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الْعَبْدَ مِنْ

۱. المحاسن، ج۱، ص۲۴۴.
۲. الكافي، ج۱، ص۱۴۹.

عَبِيدِيَ الْمُؤْمِنِينَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِمَّا يَسْتَوْجِبُ بِهِ عُقُوبَتِي فِي الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ فَأَنْظُرُ لَهُ فِيمَا فِيهِ صَلَاحُهُ فِي آخِرَتِهِ فَأُعَجِّلُ لَهُ الْعُقُوبَةَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا لِأُجَازِيَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ وَ أُقَدِّرُ عُقُوبَةَ ذَلِكَ الذَّنْبِ وَ أَقْضِيهِ وَ أَتْرُكُهُ عَلَيْهِ مَوْقُوفاً غَيْرَ مُمْضًى وَ لِي فِي إِمْضَائِهِ الْمَشِيئَةُ وَ مَا يَعْلَمُ عَبْدِي بِهِ فَأَتَرَدَّدُ فِي ذَلِكَ مِرَاراً عَلَى إِمْضَائِهِ ثُمَّ أُمْسِكُ عَنْهُ فَلَا أُمْضِيهِ كَرَاهَةً لِمَسَاءَتِهِ وَ حَيْداً عَنْ إِدْخَالِ الْمَكْرُوهِ عَلَيْهِ فَأَتَطَوَّلُ عَلَيْهِ بِالْعَفْوِ عَنْهُ وَ الصَّفْحِ مَحَبَّةً لِمُكَافَاتِهِ لِكَثِيرِ نَوَافِلِهِ الَّتِي يَتَقَرَّبُ بِهَا إِلَيَّ فِي لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ فَأَصْرِفُ ذَلِكَ الْبَلَاءَ عَنْهُ وَ قَدْ قَدَّرْتُهُ وَ قَضَيْتُهُ وَ تَرَكْتُهُ مَوْقُوفاً وَ لِي فِي إِمْضَائِهِ الْمَشِيئَةُ ثُمَّ أَكْتُبُ لَهُ عَظِيمَ أَجْرِ نُزُولِ ذَلِكَ الْبَلَاءِ وَ أَدَّخِرُهُ وَ أُوَفِّرُ لَهُ أَجْرَهُ وَ لَمْ يَشْعُرْ بِهِ وَ لَمْ يَصِلْ إِلَيْهِ أَذَاهُ وَ أَنَا اللَّهُ الْكَرِيمُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ.[1]

در این روایت به وضوح دیده می‌شود که خداوند عقوبت بنده گناهکار خویش را جلو انداخته و آن را در این دنیا تقدیر کرده و قضاء می‌کند. ولی در امضاء آن توقف کرده و آن را متوقف می‌گذارد، بدون اینکه بنده مؤمن از این توقف آگاهی داشته باشد، و مکرر در امضاء این عقوبت تردد می‌کند. اما در نهایت آن را امضاء نمی‌کند تا به بنده‌اش مکروهی وارد نیاید و او را به خاطر نوافلی که با آن‌ها به خدا تقرب می‌جوید، می‌بخشد و آن بلا را از او دفع می‌نماید. حال آنکه مراحل اراده، تقدیر و قضاء آن بلا محقق شده بود، ولی به امضاء نرسید. تردد در این روایت در مرحله امضاء واقع شده است. استشهاد به این روایت در توضیح انتساب تردد به خداوند در هیچ یک از منابع پیشین اعم از مقالات و کتب بزرگان یافت نشده و از نوآوری‌های این نگاشته می‌توان شرح تردد خداوند با استفاده از این روایت را برشمرد.

البته اشکالی که به تردد در مراحل اراده فعل ممکن است وارد آید، آن است که خداوند در این حدیث قدسی قید «أنا فاعله» را آورده است. این قید ممکن است به معنای شأنیت باشد، یعنی در افعالی که شأن من انجام دادن آن‌هاست. در این صورت اشکالی وارد نیست. ولی اگر به معنای فعلیت باشد، یعنی لا محاله خداوند این کار را انجام می‌دهد، پس بازگشتی از هیچ یک از مراحل اراده در این فرض رخ نمی‌دهد و نهایتاً اراده فعل را به تأخیر می‌اندازد. در این صورت، حدیث قدسی محل بحث شبیه حدیث تردد در مجازات مؤمن نیست. چرا که مجازات مؤمن قطعی الوقوع نیست و عفو از آن امکان‌پذیر است. ولی قبض روح بنده مؤمن

۱. الكافي، ج۲، ص۴۴۹.

قطعی الوقوع است و لذا بازگشت از اراده در آن مطرح نیست. این اشکال به دیدگاه قبلی نیز وارد است، مگر اینکه این‌گونه پاسخ دهیم که بازگشت از امضاء قبض روح نیست، بلکه بازگشت از أجل و کتاب آن است که موجب تأخیر وقوع فعل می‌شود.

مورد دوم از رفت و برگشت در انجام کاری، رفت و برگشت در مقدمات آن کار است. افعال ممکن است بدون مقدمه و به‌صورت دفعی و آنی محقق شوند، و ممکن است با مقدمات و به‌صورت تدریجی محقق گردند. رفت و برگشت در انجام کاری به‌صورت حقیقی، بر رفت و برگشت در مقدمات افعال تدریجی الحصول نیز اطلاق می‌گردد؛ یعنی آن‌قدر به سوی انجام آن کار می‌رود و برمی‌گردد تا کار محقق شود.

از آیت‌الله بهجت این معنا برای روایت نقل شده است که خداوند قبض روح بنده مؤمن را به‌صورت دفعی انجام نمی‌دهد، بلکه با رفت و برگشت و تمهید مقدمات و به‌صورت تدریجی این کار را انجام می‌دهد. این معنا هرچند در معانی مجازی این روایت آمده بود، ولی با بیان دقیق معنای تردد، معلوم می‌شود که این معنا حقیقی است و هیچ اشکالی در انتساب آن به خداوند وجود ندارد. مؤید این معنا نیز روایاتی است که لطف خداوند به بندگان مؤمنش هنگام مرگ را بیان می‌دارد که قبلاً به آن‌ها اشاره شد.[۱]

نتیجه‌گیری

نگاشته حاضر با بررسی مشکلات دلالی روایاتی که مشتمل بر انتساب تردد به ساحت منزه خداوند متعال است. سه مشکل اصلی را شناسایی کرده است. تمرکز بر مشکل اصلی، یعنی اسناد تردد به خداوند متعال، منجر به تحلیل اقوال اندیشمندان اسلامی از مکاتب مختلف فکری شده است. این اقوال با دسته‌بندی جدید مبتنی بر دوگانه ظهورگرایی و تأویل‌گرایی و روش‌های تأویلی همچون اقسام مجاز مرسل، استعاره و کنایه ارائه شده‌اند. در نهایت، با تبیین دقیق معنای لغوی ماده و هیئت «تردد»، این نتیجه به دست آمد که تردد در صورت تعدیه با حرف جر «في» به معنای رفت و برگشت در کاری است. اسناد رفت و برگشت در کار به خداوند متعال مستلزم هیچ محذور عقلی و نقلی نمی‌باشد. انتساب تردد به خداوند کاملاً حقیقی بوده و به معنای رفت و برگشت در مقدمات افعال تدریجی‌الحصول برای آماده‌سازی فرد مؤمن برای مرگ است. فهم این نکته نیازی به تأویل ندارد. این تبیین نشان می‌دهد که تردد به معنای حقیقی خود به‌درستی به خداوند نسبت داده می‌شود و این امر، ناشی از شدت و کمال اختیار و اراده آزاد الهی است.

---

۱. همچون داستان وفات حضرت ابراهیم‌علیه‌السلام که چگونه با دیدن پیرمرد بیمار به مرگ رغبت پیدا کرد و روایت دو فرشته ای که هنگام مرگ نزد مومن می آیند و یکی موجب فراموشی خانواده و اموال می گردد و دیگری نفس او را از دنیا جدا می کند. (الکافی، ج۳، ص۱۲۷).

فهرست منابع

۱. أجوبة المسائل المهنّائيّة، علامه حلی، حسن بن یوسف، محی‌الدین مامقانی، قم: مطبعة الخیام، ۱۴۰۱ق.
۲. أنوار الهداية، اصفهانی، میرزا مهدی، جمعی از محققان، قم: موسسه معارف اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۵ش.
۳. الأمالي، طوسی، محمد بن حسن، جمعی از محققان، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۴. الأربعون حديثاً، شیخ بهائی، محمد، جمعی از محققان، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۳۱ق.
۵. بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر، جمعی از محققان، بیروت: دارإحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
۶. تفسير العيّاشي، عیاشی، محمد بن مسعود، سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۷. الحكمة المتعالية في الأسفار العقلية الأربعة، صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۹۸۱م.
۸. الدرر النجفية من الملتقطات اليوسفية، بحرانی، شیخ یوسف، جمعی از محققان، بیروت: دارالمصطفی ص لإحياء التراث، ۱۴۲۳ق.
۹. الكافي، کلینی، محمد بن یعقوب، علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۰. الكافي، کلینی، محمد بن یعقوب، جمعی از محققان، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۱۱. القبسات، میرداماد، محمد باقر، مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش.
۱۲. المحاسن، برقی، احمد بن محمد بن خالد، جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.
۱۳. مستمسك العروة الوثقى، حکیم، سید محسن، قم: دارالتفسیر، ۱۳۷۴ش.
۱۴. المعجم الاشتقاقي المؤصّل لألفاظ القرآن الكريم، جبل، محمدحسن، قاهره: مكتبة الآداب، ۲۰۱۰ م.
۱۵. معجم مقائيس اللغة، ابن‌فارس، احمد، عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۰۴ق.

۱۶. الميزان في تفسير القرآن، طباطبایی، محمد حسین، بیروت: مؤسسة الأعلمي، ۱۳۵۲ش.
۱۷. وسائل الشیعة، حر عاملی، محمد بن حسن، جمعی از محققان، قم: موسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۸. شرح الكافي، مازندرانی، محمد صالح، ابوالحسن شعرانی، تهران: المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ق.
۱۹. علل الشرایع، ابن‌بابویه صدوق، محمد بن علی، قم: داوری، ۱۳۸۵ش.
۲۰. قرب الإسناد، حمیری، عبدالله بن جعفر، جمعی از محققان، قم: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۳ق.
۲۱. مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد، طوسی، محمد بن حسن، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.
۲۲. أجوبة المسائل المهنّائيّة، علامه حلی، حسن بن یوسف، محی‌الدین مامقانی، قم: مطبعة الخیام، ۱۴۰۱ق.

مقالات

۲۳. مفهوم تردد در احادیث قدسی، احمدی یزدی، محمد حسن، دو ماهنامه کیهان اندیشه، شماره ۱۱، فروردین و اردیبهشت، ص ۴۳-۳۷، ۱۳۶۶ش.
۲۴. تردد خداوند در قبض روح مؤمن؛ بررسی حدیث قدسی، اسعدی، علیرضا، مجله معرفت، شماره ۲۴۸، مرداد، ص ۶۹-۷۸، ۱۳۹۷ش.
۲۵. معناشناسی حدیث تردّد، بهشتی پور، روح الله، فصلنامه کتاب قیّم، شماره ۵، بهار، ص ۸۳-۱۰۳، ۱۳۹۱ش.
۲۶. اعتبار سنجی و مسیریابی ثبت و انتقال احادیث «تردد خداوند» به روش فهرستی، حیدری فطرت، جمال الدین و احسان پوردوانی، فصل نامه سفینه، شماره ۷۹، تابستان، ص ۹-۴۲، ۱۴۰۲ش.
۲۷. بازنگری حدیث تردد، فرحمند، مهناز، فصل نامه سفینه، شماره ۵۵، تابستان، ص ۲۶-۴۸، ۱۳۹۶ش.
۲۸. تردد در ساحت ربوبی از منظر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، موسوی، سید جمال الدین، دو فصلنامه کلام اهل بیت علیهم‌السلام، سال دوم شماره اول، بهار و تابستان، ص ۳۳-۵۳، ۱۳۹۹ش.
۲۹. مفهوم شناسی تردید و راهکار فریقین در حل مشکل و تعارض اخبار کراهت یا علاقه مومن به مرگ، میرزائی، پوران، فصلنامه علمی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء س، سال نوزدهم شماره ۳، پاییز، ص ۱۴۷-۱۷۱، ۱۴۰۱ش.